

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد به اینکه وارد یک بحث دیگری بشویم و وارد بحث خود فهرستی که الان محل کلام ماست البته یکی دو تا نکته توضیحا عرض بکنم حالا توضیحات ما گاهی بر اصل مطلب مقدم است عرض شد به اینکه فهرستی را که الان علمای ما نوشتند یعنی مرحوم شیخ و مرحوم نجاشی این یک روش خاصی است حتی با این اهل سنت هم این ترتیب را ندارند یک مقدار از مطالب فهرستی ما در کتابهای اهل سنت هست نه برای ما یعنی خود آنها به روش فهرستی .

من یک وقتی تخمین می زدم این تهذیب الکمال که یازده جلد است این چاپی که من دارم یازده جلد است اگر بخواهیم مطالبی که جنبه های فهرستی دارد روی کتاب فلان حالا غیر از خودش غیر از راوی روی کتاب بحث کرده جدا بکنیم یک چیزی نصف یک جلد کمتر یک سوم مثلا یک چهارم .

یکی از حضار : آن فهرست اشبیلیه هم آمده

آیت الله مددی : اشبیلیه را ندیدم عبد خیر را دیدم این همان است دیگر ، بله برای اندلس است دارم من دارم فهرست را ، فهرست اشبیلیه اجازات است .

یکی از حضار : فهرست کتب به این معنا نیست .

آیت الله مددی : می گوید له کتب بعد می گوید . بله دارم من اینجاست ، خصوصا آخرش مثل اجازات بحار است .

یعنی بعبارة اخری ما در فهرست طریقمان به شخص است لکن به لحاظ کتابش اینها به خود شخص هستند به لحاظ مجموع یعنی می شود فهرست را دو جور حساب کرد یک دفعه طرق ما به خود اشخاص مثلا طرق ما به علامه و تالیفات علامه . یک دفعه نه طریقی را که ما داریم به علامه و بگوییم این کتب علامه را مثلا شاگردش از ایشان شنیده اجازه گرفته است . یعنی در باب فهرست یک اجازه ای هست طریقی هست به راوی و مولف کتاب یک طریقی هست به خود کتاب آن نکته ی فنی ، آن که در نکته ی فنی ما هست به خود کتاب ، ما اگر بخواهیم فهارسی را به علما اضافه کنیم اجازات زیاد است ، عرض کردیم این آقای جبوری رفیق ما و شما گفت من ۲۰ تا کارتن اجازات تا الان جمع کردم نوشته بشود ۳۰۰ - ۴۰۰ جلد می شود ، ۲۰ تا کارتن می گوید فقط من در اجازات ، اجازات زیاد است ، اجازات فهرست نیست نه .

عبد خیر خصوصا حالا اولش یک کمی شبیه همین تصورات ماست آخرش فقط اجازه است و اروی عن فلان و فلان همین طور فقط اجازات است .

یکی از حضار : اسم فهرست هم رویش گذاشتند .

آیت الله مددی : چرا بله ، دارم من آنجا پشت سر آقای رضائی کوچک نوشته است ، این یک چاپی است که از ایشان همین پشت سر ایشان است نوشته فهرست عبد خیر یا ابن خیر ، عبد خیر یک کسی دیگری است آقا فیروز است یکی از روای است عبد خیر آن که از امیرالمؤمنین نقل می کند حواسم بود ، حواس من جمع است . می گویم این پشت سر ایشان است . آخرهایش را نگاه کنید بدهید خدمت ایشان آخرهایش خیلی اجازات است این ابن خیر است فهرست ابن خیر من عبد خیر چند دفعه گفتم ؟ عبد خیر یک راوی عن امیرالمؤمنین است .

یکی از حضار : فهرست ما رواه عن شیوخه من الدوانین المصنفة فی ضروب العلم و انواع المعارف تالیف الشیخ الفقیه المقرئ المحدث المتقن ابوبکر محمد بن خیر بن عمر بن خلیفه الاموی الاشبیلی سنة ۵۰۲

آیت الله مددی : الاموی الاشبیلی

یکی از حضار : الاموی الاشبیلی سنة ۵۰۲ - ۵۷۵

آیت الله مددی : این بعد از نجاشی و اینهاست ایشان معلوم می شود از بنی امیه است چون خود اندلس دست بنی امیه بوده ، معلوم می شود اصلا نژادها هم یعنی نسبا هم مثل ابن حزم ، ابن حزم هم اموی است اوائلش به اسماء کتب است اوائلش را نگاه کنید باز بکنید مثلا صفحه ۲۰ - ۳۰ - ۴۰ را باز بکنید

یکی از حضار : چون معلوم می شود سه تا چاپ دارد چون این می گوید این چاپ طبعه جدیدة منقحة عن الاصل

آیت الله مددی : این به نظرم خود شما برای من افست کردید آوردید

یکی از حضار : نه بنده آوردم

آیت الله مددی : می دانم این را یک کسی برای من آورده چه کسی آورده نمی دانم

یکی از حضار : من آوردم .

آیت الله مددی : من فکر می کردم آقای مختاری آورده است .

یکی از حضار : حالا چاپ بعد از این برای دار الغرب است .

یکی از حضار : دار الغرب محقق است .

یکی از حضار: محقق است، این ۱۱۹۹ هجری است ۶-۴۵ سال پیش این چاپ شده است.

آیت الله مددی: یک مثلاً ۲۰ صفحه بنید ایشان در اوائلش اسم کتابها را می آورد، و آخرش اگر صفحه‌ی او آخر را بیاورید دیگر این حرفها نیست نه این طریقی را که ما داریم آن فهرستی را که ما داریم امتیاز اساسی اش به این است یعنی امتیاز اساسی اش مکمل علم رجال است. حالا شما او آخر را نگاه کنید فقط تند تند سند می آورد و ما کان

یکی از حضار: این دارد فهرست شیخ الوزیر فلان، فهرست شیخ الاستاد ابی الحجاج یوسف

آیت الله مددی: فهرست نباید بگویند باید فهرست بگویند چون فهرست مصدر است.

یکی از حضار: حالا اینجا فهرست است دیگر

آیت الله مددی: ها ضبط کرده فهرست اشتباه است.

یکی از حضار: فهرست شیوخ فقیه مغری ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن

آیت الله مددی: ببینید شیوخ یعنی طریقی، دقت کردید چه می خواهم بگویم

یکی از حضار: فهرست الشیخ استاد ابی محمد عبدالله بن

آیت الله مددی: ملتفت شدید چه می خواهم بگویم به اساتید و مشایخ است، ها مثل این اجازاتی است که صوفیه دارند، اجازات صوفیه هم به مشایخ است دقت می کنید مثل اجازات صوفیه بله آقا؟

یکی از حضار: به کتابها هم زیاد دارد.

آیت الله مددی: اوائلش بیشتر دارد.

یکی از حضار: کتاب سیبویه و اینها را دارد

آیت الله مددی: می دانم اوائلش، عرض کردم به ایشان اوائل نگاه کنید به کتاب است بیشتر، او آخر بعد فهرست شیخ، فهرست شیخ این جوری

یکی از حضار: یکی مثلاً این است، ذکر المصنفات المتضمنة للسنن ایضاً مع فقه الصحابة والتابعین.

آیت الله مددی: بله دارد اوائلش دارد چرا عرض کردم من نگاه کردم من اما آخرش حالا آن دارالغرب چیز دیگری است من نمی دانم اما این که چاپ شده

یکی از حضار: ننوشته عن الطبعة جدیدة عن الاصل فلان منشورات دارالافاق جدیدة بیروت.

آیت الله مددی: شاید چاپ لیدن باشد ها؟

یکی از حضار: نه چاپ مصر است نسخه‌ی آن است.

آیت الله مددی: حروف لایدن نیست؟

یکی از حضار: نه لایدن نیست.

آیت الله مددی: احتمال می‌دادم حروف لایدن باشد.

علی ای حال این یک مطلبی را اول در راجع به این مسالهی فهرستی را که آقایان گفتند به اصطلاح البته این هست که کلمه‌ی فهرست را بعضی‌ها با سین فقط نوشتند بعضی‌ها مثل ایشان با تاء مدور نوشتند بعضی‌ها هم با تاء ممدود نوشتند فهرست مثل ماها، سه جور تا حالا ضبط شده کلمه در این کتبی که ما داریم و به اصطلاح این فهرستی را که اصحاب ما به اصطلاح تدوین کردند از این جهت خوب واقعا بی نظیر است یعنی از جهت مسالهی حجیت و مسالهی اینکه آیا خبر را قبول کنیم و اگر قبول بکنیم که مثلاً مرحوم نجاشی یا شیخ هر دویشان گاهی یک شخصی را ذکر می‌کنند و طائفه‌ای از کتب را می‌آورند بعد می‌گویند اخبارنا بها جماعة عن ابن بطة مثلاً معلوم می‌شود در خود کتاب ابن بطة اسم این کتاب آمده است چون ظاهرش این طور است یعنی بعبارة اخرى اسماء کتب را از جای دیگر نیاوردند از همان مبدائی که از همان فهرستی که فرض کنید فهرست ابن الولید فهرست ابن بطة از همان مبدائی که نقل می‌کنند از آن جا گرفتند از آن فهرست، طبعاً فهرست ابن بطة مقدم است بر فهرست ابن الولید است حتی شاید بر فهرست مرحوم یعنی بر فهرست مثل حمید بن زیاد هم مقدم باشد، حمید بن زیاد بر مرحوم ابن الولید مقدم است، فهرست ابن عقده بر فهرست یعنی اگر ابن عقده فهرست داشته باشد چون بله عرض می‌کنم.

و عرض کردیم این فهرسی را که مرحوم شیخ و نجاشی الان نوشتند و دست ما رسیده این در حقیقت دو تا مصدر دارد مصدر این فهراس دو تا است یعنی به عبارت دیگر خیلی نادر به کتاب فهرست ندیم مراجعه کردند، با اینکه فهرست ندیم در اختیارشان بوده فهرست ندیم یک مقاله‌ی خاصه برای مصنفات شیعه‌ی امامیه دارد اسماء کتب را برده اسماء، اینها اصلاً به او کم شاید یک بار دو بار اگر در فهرست نجاشی ظاهراً یک بار آمده در فهرست شیخ دو بار یا سه بار خیلی کم اسم کتاب فهرست ندیم آمده است، چرا چون سند ندارد، ندیم طریق ندارد این‌ها اسم آن را نبردند فقط گفتند ذکره ندیم آن‌ها هم مثل اینکه ابن الندیم می‌گویند، می‌گویند ضبطش ندیم است ابن ندیم درست نیست ذکره الندیم فی فهرسته این را دارند اما کم است یعنی مواردش خیلی کم است سرش هم این بود که اینها هدفشان فقط نام بردن از کتاب‌ها مثل الذریعة و اینها نبود هدفشان این بود که طرق را به آن بنویسند و ارزیابی بکنند ارزش آن کتاب‌ها را بیان بکنند.

البته در این جهت انصاف قصه این است که مرحوم نجاشی دقیق تر است و مرحوم شیخ معلوم است روی حجیت تعبیدی بیشتر جلو رفته است ظاهراً قدر متیقن آن جایی که خیلی ضعیف بوده دیگر نیاورده است یا استثناء کرده است یا حالا از قلمش نرفته است و الا متوسطات و عالیات را همه را با هم آورده است .

و عرض کردیم این فهرس از دو جا اینهایی که مرحوم نجاشی و شیخ نوشتند تامین شده در مقابل علم رجال ، رجال اصولاً یک مقدار برای کلمات معاصرین است که در میان اهل سنت زیاد داریم در میان شیعه کم داریم در رجال این جوری که از معاصر خودش دقیقاً نقل بکند کم است غالباً از گذشتگان است اما در میان اهل سنت زیاد داریم مثل تاریخ بغداد و غیره و جرح و تعدیل و اینها در آنها زیاد داریم که از علمای معاصر خودشان یعنی نقل می کنند از کسی که معاصر اوست با او بوده با او زندگی کرده اینها غالباً مصدر خودشان را ننوشتند آقای خوئی هم گفتند حتماً اینها از معاصر گرفتند تصویری است که ایشان فرمودند که سابقاً متعرض شدیم که صحت ندارد قابل قبول نیست . اما بعدها معظم رجال از روایات ما عرض کردیم سه تا محور اساسی الان ما در شیعه داریم در میان اهل سنت دو تا محور این محور سومش ضعیف است خیلی ، یک محور روایات است که این بین ما و بین اهل سنت هست طبعاً روایات اهل سنت خیلی بیشتر از ماست ، محور دوم رجال است یعنی روات این روایات را جدا کردند و محور سوم هم فهرس است که این مختص ماست اهل سنت ندارند مگر اینکه از لابلای حرف هایشان در بیاوریم سه تا محور اساسی ما داریم این سه محور کردند که ما انجام دادیم خیلی برای معرف اشخاص و روات و مصادر و اینها خیلی کار گذار است .

چون یک شخص ممکن است در محور روایات یک عنوان باشد در محور رجال یک عنوان داشته باشد در محور فهرس یک عنوان داشته باشد احتمال دادیم اینکه گاهی اوقات مرحوم نجاشی یک شخصی را دو بار ذکر کرده احتمال دادیم مثلاً یک بار به عنوان فرض کنید مثلاً ابو سعید قماط اسم برده شده یک بار مثلاً هاشم بن فلان که حالا اسم ابو سعید هم یادم رفته که چیست ، ابو سعید به اسمش ، احتمال دادیم که نجاشی دو بار گفته چون در فهرس اصحاب اسمش دو جور آمده است ایشان احتمال داد دو تا باشد .

شیخ اصولاً در رجال تکرار زیاد دارد خیلی دارد در فهرست تکرار دارد کم است .

یکی از حضار : خالد بن سعید ، ابو سعید قماط

آیت الله مددی : ها خالد بن سعید قماط ، تصادفاً یک شب ما اصلاً اینجا ، دو سه شب ما اینجا راجع به ابو سعید قماط خودمان بحث کردیم چون مرحوم آقای تستری که ردی بر مرحوم مامقانی نوشته در اینجا دارد که مرحوم مامقانی گفته که ابو سعید قماط یکی از این پنج

نفر است مرحوم آقای شیخ محمد تقی نوشته هیچ کدام نیست ، هر پنج تا را اشتباه نوشته این شخص دیگری است و ما یک توضیحاتی باز دادیم و انصافا یکی از جاهایی است که تستری خیلی مفصل یعنی خیلی قشنگ وارد شده است .

عرض کردم چند بار انصافش رجال مرحوم تستری قاموس یک نواخت نیست بعضی جاهایش خیلی دقیق است خیلی ریزه کاری شده است اما عامه ی کتاب این جور نیست نه بالای شاید نود درصد کتاب این جور نیست .

یکی از حضار : یک جاهایی معجم رجال آقای خوئی هم تحت تاثیرش هست .

آیت الله مددی : چرا چون اول آن چاپ شد . اما بعضی جاها آقای خوئی مطالب ایشان را نیاورده است اصلا اشاره هم نمی کند ، بعضی جاها می گوید و ذکره بعضهم هم دارد بعضی جاها مطلبش را می آورد ، بعضی جاها نمی آورد و من احتمال می دهم البته شان استاد اجل است احتمال می دهم شاید آقای خوئی ملتفت کلام تستری ، چون تستری بد عبارت که هست عربی اش یک خاص شوشتری خودش است عربی خاصی است یک عربی مخصوصی است و اصلا الفاظش یک جور خاصی است و به اصطلاح خیلی واضح و روشن و چیز صحبت نمی کند احتمال دادم نه آقای خوئی بعض دیگر هم که بعد از ایشان راجع به این شخص مثلا نوشتند ملتفت نکات کلام ایشان نشدند ، که ایشان چه نکاتی را در نظر گرفته است .

خوب کتاب باید یک کسی با ایشان با روش ایشان آشنا باشد ، می گویم بد عبارت هم هست عبارات عربی خاص خودش را دارد ، دارد عرض کردم بعضی جاها خیلی لطیف است فوق العاده .

یکی از حضار : جاهایی متلک می گوید و تند می کند اشخاص دیگر فرار می کنند .

آیت الله مددی : بله ، غرض اینکه انصافا بعضی جاها ، البته به اهل سنت هم حمله می کند ، خیلی حمله می کند و الفاظ تند می علیه آنها به کار می برد .

علی ای حال انصافا کتاب فایده داری است ، عرض کردیم کرارا ایشان به نظر من می آید به لحاظ استعداد متوسط باشد حافظه اش هم متوسط است در رجال حافظه خیلی تاثیر گذار است ، استعداد هم به این معنا که بتواند این را به آن ربط بدهد ، هم حافظه داشته باشد و هم بداند این به آن خورد .

یک اینکه مثلا شبیه این اشتباه در فلان کتاب هم واقع شد ، این یک حافظه می خواهد و یک ربط می خواهد در اینها خیلی قوی نیست ایشان تحقیقات فقهی و اصولی ایشان هم متأسفانه قوی نیست ایشان تبعش نسبت به دیگران بهتر است ، تبعش خوب است . البته به هر حال ایشان در یک شهر دور افتاده ای مثل شوشتر بود دیگر در حوزه نبود یعنی آشنایی با خود ما که حالا یک وقتی در نجف بودیم این همه کتابها

درمی آید نگاه می کردیم یا در خود کتابخانه می ایستادیم یک تورقی می کردیم یا می خریدیم یا یک حالی داشتیم برای این کارها الان در خود قم هستیم خود من از خود قم خبر ندارم مثلاً این که شما فرمودید از خود قم خبر ندارم با اینکه قم نسبت به نجف درجه ۲ حساب می شد ، درجه ۲ حساب می شود واقعا ، علی ای حال آن وقت برسد مساله به شوشتر و آنجا ها که خیلی به اصطلاح دور است .

اما روی این حرف ها تبعات ایشان خیلی خوب است ، تبعات ایشان یعنی نسبت به آن زمان بعد هم در این چهل و خورده ای سال که من در قم هستم خیلی مصادر اهل سنت چاپ کردند که ما اسمش را هم نشنیده بودیم مثل رجال ابن بعین اصلاً من نمی دانستم ابن بعین رجال دارد ، خودش هم ندیدم من اسمش را فقط شنیدم در بعضی از مصادر استخراج کردند رجال ابن بعین را ، انصافاً در این جهت خیلی کتاب ها مثلاً ما سال ها در نجف این کتاب جامع الصحیح الان یادم بیاید ، ابن حبان نه یکی دیگر است ، یکی از حضار : ضعفای ابن حبان داریم و ...

آیت الله مددی : ضعفایش چاپ شده نه ، یک کسی است که صحیح دارد ما این را خیلی مراجعه می کردیم به کتاب نصب الرایه اصلاً نبود چاپ نشده بود ، بعد یک صحیح ابن حبان است چرا الاحسان ، صحیح ابن حبان بعد این چاپ شد با یک تغییراتی اخیراً هم خودش چاپ شد نسخه ی اصلی چاپ شد یعنی اصلاً اینها نبود یعنی من ده سال مثلاً بیشتر به این کتاب مراجعه می کردم تا رسیدم به نصب الرایه آن اگر نقل کرده بود خود من در اختیار ما نبود اصلاً در بازار نبود اصلاً خبر از آن نداشتند از آن نسخه اصلاً خبری نداشتند .

علی ای انصافاً در این مدت اخیر کتاب های بسیار زیاد و بسیار خوب زیاد چاپ کردند خود ما ها مطلع نبودیم چه رسد به مرحوم آقای تستری در شوشتر .

علی ای حال اما مرد ملایی است آدم خوبی است در تدین ورع تقوا انصافاً ضرب المثل است و خیلی زحمت کشیده است می دانید یکی از خوبی های ایشان آثارش را نمی فروخت همین آقای غفاری چاپ می کرد و خودش می فروخت اصلاً نه پول می گرفت اصلاً اهل این حرف ها نبود آن می گرفت برای خودش چاپ می کرد این می گرفت برای خودش چاپ می کرد اهل این حرف ها که من مثلاً یک حق الجایی حق التالیفی به من بدهید اهل اینها نبود و من حیث المجموع انصافاً این اسم عجیب و غریب نهج البلاغه را قشنگ نوشته البته در نهج البلاغه کار فنی زیاد می خواهد این کارهایی که شده کافی نیست اما به هر حال انصافاً قشنگ نوشته بهج الصباغه را .

یکی از حضار : آن ظاهراً ضبطش همان اموی است نوشته نسبتاً الی جبل امو فی المغرب فانه فاسی المولد ، اشبیلی الدار .

آیت الله مددی : اها شاید اموی بوده است . اینها چون برای اندلس بودند . شاید من چون دیدم اندلسی ، اندلسی ها اموی هستند دیگر بنی امیه آنجا بودند .

یکی از حضار: اشبیل دارش بوده ولی خودش فاسی بوده است

آیت الله مددی: فاس برای مراکش است به حساب

یکی از حضار: نوشته اینجا مغرب .

آیت الله مددی: همان مراکش را مغرب می گویند عرب ها مغرب می گویند .

یکی از حضار: مسجد معروف که جائز الوصفین است که همان مسجد هم اموی هم اموی است .

آیت الله مددی: نه اموی بنی امیه است دیگر . امیه است دیگر معروف به امیه است . امیه با هاشم معروفند .

علی ای حال پس رجال را از روایات ما از روایات در آوردم سنی ها هم همین طور ما معاصر داریم خیلی کم از معاصر چیزی نقل بکنیم کم داریم نسبت به رجالی که داریم کم است اما اهل سنت زیاد دارند و معظمش را از روایات در آوردند یعنی محور رجال نزد اینها معظمش از روایات است نزد ما که معظمش واقعا آنها نه از معاصر هم زیاد دارند شهادت معاصر این گفت من رفتم درسش این طور بود حدیث از او شنیدم این طور بود این را زیاد دارند ما این قدر زیاد نداریم بلکه داریم اما خیلی کم است آنها خیلی زیاد دارند محور فهرست هم که اهل سنت ندارند کلا عرض کردم نادر .

محور فهرست از روایات گرفته نشده است ما تمام بحثمان سر این بود این خیال نکنیم مثلا اگر روایتی بود علی بن ابراهیم عن ابیه مثلا عن ابن ابی عمیر عن جمیل عن ابی عبدالله مثلا روایت بوده بعد اصحاب این را طریق به کتاب جمیل قرار دادند با اینکه ، نه چنین چیزی نبوده است یعنی بعبارة اخرى فهرس اصحاب از اجازات از اسانید گرفته نشده است از محور روایات گرفته نشده است فهرس اصحاب اصولا از دو چیز است یا اجازات است یا فهرس است یا اجازاتی است که داشتند از مشایخ

و عرض کردیم اجازات و بیشتر اجازات به خود اشخاص بود فهرس بیشتر به کتب بود اما اجازات به کتب هم داریم ما اما اجازات را الان بیشتر مثلا اروی عن العلامة بهذا الطريق بیشتر به ، اما فهرس به کتب بود نکته ی دومش این بود که اجازات فرقی با فهرس در این بود که اجازات مخاطب خاص داشت ، فهرس مخاطب خاص نداشت .

اجازات به این ترتیب بود که مثلا شیخ مفید می گفت من اجازه دادم به آقای شیخ طوسی که این کتب را به این ترتیب از من نقل بکند کتاب فلان از این طریق کتاب فلان از این طریق اسمش اجازه بود اما اگر کتابی می نوشت که در آن می گفت که آقا من کتاب فلان را از این طریق کتاب فلان مخاطب خاص نداشت اسمش فهرست بود یعنی فرق بین اجازات و فهرست در ذکر طرق به کتاب فرقی نمی کرد در مخاطب

اگر



مثلا مرحوم شیخ مفید در شرح حالش ننوشتند فهرست داشت اما اجازه قطعا داشته هم به نجاشی اجازه داده هم به شیخ طوسی قطعا اجازه به کتب اصحاب داشته و این اجازات را هم به شیخ طوسی داده و هم به مرحوم نجاشی، کذلک ابن غضائری کذلک ابن عبدون برای اینها فهارس ننوشتند بله اینها می آمدند اجازاتشان را به فهارس وصل می کردند آنها هم می آمدند بعد این اجازات و فهارس را به همان کتب .

مثلا مرحوم شیخ مفید اجازه به شیخ طوسی می داد فهرست ابن قولویه، ابن قولویه کتابش فهرست بود مخاطب خاص نبود آن وقت مثلا ابن قولویه می گفت طریق من به کتاب جمیل این است دقت می کنید؟ مرحوم شیخ طوسی از راه شیخ مفید از ابن قولویه با همان طریق از جمیل نقل می کرد این بود .

یعنی مثلا وقتی می خواستند کتاب ابن قولویه را نقل بکنند فهرستش را هم نقل می کردند و اضافه می کردند طریق می شد به آن شخص این متعارف بود یعنی این کاملا امر متعارفی بود اجازه ی، ایشان اجازه داشت از مرحوم ابن قولویه به همه ی کتبش یکی اش هم به همین کتاب فهرست ایشان . ابن قولویه هم مثلا نقل می کرد از مرحوم کلینی لکن کافی را مثلا یا مرحوم شیخ مفید توسط پسر مرحوم ابن الولید از پدرش یا از صدوق نقل می کرد، از صدوق نقل می کرد یعنی فهرست صدوق چون صدوق هم فهرست دارد .

حالا اگر یک وقتی پیش آمد فهارس اصحاب، ابو غالب زراری هم همینطور شیخ طوسی از شیخ مفید از ابو غالب، ابو غالب در آخر کتابش طریش را به کتب نوشته است این را اضافه می کردند به آن این ترتیب نوشتن فهارس مثل شیخ طوسی و نجاشی است، یا اجازات بود یا فهرست بود، یا اجازه داشتند یا فهرست بود مثل فهرست هایی که متعارف بود در آن زمان که بعضی هایش را عرض کردم .

لذا به ذهن ما می آید که عنوان اجازه با عنوان فهرست فرق می کرد، البته یک چند دفعه ی دیگر هم نقل کردم که در کتاب نجاشی یک جایی یک نوشتار را هم گفته اجازه هم گفته فهرست این هم به این لحاظ شاید به اینکه اجازه به یک معنایی فهرست است فهرست به کتب است، به این معنا و الا

در کتاب نجاشی نگاه بکنید می خواهید بیاورید محمد بن الحسن بن احمد بن ولید می گوید ایشان یک اجازه ای داده به ابن ابی جید اجازه ای داده برای کتبش بیاورید ابن الولید را، ابن ابی جید ترجمه ندارد در کتاب نجاشی و شیخ ترجمه ندارد اما ابن الولید دارد محمد بن الحسن بن احمد بن الولید .

یکی از حضار: بعد همین اجازه را می گوید در فهرست است .

آیت الله مددی: اها این را اسمش را گذاشته اجازه، در شرح حال مرحوم ابن الولید اسمش را گذاشته اجازه، له اجازه بکتابه وروایاته بعد اگر آوردید تا بگویم در کجا گفته در فهرست. آوردید؟ آخرش بعد از اینکه می گوید فلان و فلان خیلی مرد ملایی هم هست لذا نوشتند قمی هم نبوده از خارج قم نمی دانم از کدام شهری است اساسش از کجاست؟ والا نیست از قم.

یکی از حضار: شاید همین باشد که شما فرمودید که اجازه مخاطب خاص دارد فهرست مخاطب خاص ندارد خیلی بی راه هم نیست که اطلاق بشود به او

آیت الله مددی: بله ظاهرا مخاطب خاص یعنی یک فهرستی معنای عام برایش بگیریم که شامل اجازه هم بشود و الا طبق این تعریف ما باید فهرست غیر از اجازه باشد، بفرمایید آقا.

یکی از حضار: مدخل ۱۰۴۲ محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ابو جعفر شیخ القمیین وفقیه ما تقدمه و وجه ويقال انه نظیر قم وما كان اصله من قم

آیت الله مددی: قمی نبوده اما واقعا آبروی قم است یعنی واقعا شیخ بسیار خیلی خیلی حتی مرحوم شیخ مفید در آن بحث غلو می گوید و هذا الشيخ ابن الولید شیخ القمیین مثلا قائل بوده اول درجات غلو بعد می گوید این تقصیر این قصور در حق ائمه است، قمی ها متهم بودند به اینکه ولایتشان ضعیف است مقصرونند در حق ائمه علیهم السلام بله حتی شیخ مفید اسم این را هم می برد اصلا اسم می برد ابن الولید را که این شیخ القمیین بعد این مطلب را گفته و می گوید و هذا تقصیر بین، راست هم می گوید انصافا حق با شیخ مفید است و انصافا چون ابن الولید گفته اول درجات الغلو نفی السهو عن النبی والائمة یعنی چه خوب ما هم نفی سهو می کنیم غلات نیستیم که چیز عجیب و غریبی است یعنی حرف زوری است تقریبا که اگر کسی گفت پیغمبر سهو نکرد در نماز این جزو غلات حساب بشود اول درجات الغلو لذا حق با شیخ مفید است می گوید و هذا تقصیر بین انصافا

یکی از حضار: در تصحیح الاعتقاد می گوید

آیت الله مددی: بله تصحیح الاعتقاد.

چون مرحوم صدوق علی خلاف القواعد می گوید و از جمله ی علامات غلو این است که اهل قم را به تقصیر نسبت می دهد بگوید قمی ها مقصرونند برداشته نعمتی حیدری اش کرده است، مرحوم شیخ مفید می گوید آقا این چه حرفی است که شما می زنید؟ خوب بالاخره عده ای از علمای قم مطالبی را گفتند که اینها تقصیر در حق ائمه است و هذا شیخهم ابو جعفر محمد بن الحسن کان يقول بعد می گوید و هذا تقصیر بین بعد هم می گوید وقد ورد علينا جماعة من مشايخ قم فرایت بعضهم يقول ان الائمة ما كان يعلمون جميع احكام الدين نوشته

است این را ، حالا خیلی عجیب است یعنی واقعا تعجب آور است ، معلوم می شود این تفکراتی که الان چیزهای عجیب و غریبی که الان می گویند این سابقه داشته از آن وقت و بعضی هم کان يقول ان الائمة كانوا يستعملون القياس فی الدین .

علی ای حال می گویند اینها را هم بله آقا ؟

یکی از حضار : معلوم می شود واقعا قمی نبودند .

آیت الله مددی : بله . از خارج قم آمده است و الا اول ، خوب زور است دیگر انصافا حرف بیهوده ای است که بگویند اول درجات الغلو نفی السهو عن النبی والائمة اگر انسان بگوید اینها در موضوعات خارجی سهو نکردند این چه مقام بالایی نیست که چیزی نیست که بله بفرمایید آقا فلم یکن اصله من قم ، به قول ایشان قمی نبوده بفرمایید .

یکی از حضار : همان قاتل پسر سید هم گفتند قمی نبوده اگر قمی بود خود سید را می کشت

آیت الله مددی : بله ، این را حاج داداش گفت ، برادرزن آقای مرعشی دایی آقای سید محمود گفت نه آقا این قمی نبود اگر قمی بود خود آسید ابوالحسن را می کشت . این قمی نبوده است . بفرمایید شیخ علی قمی . بله آقا بفرمایید .

یکی از حضار : عرض شود که له کتب منه کتاب تفسیر القرآن و کتاب الجامع

آیت الله مددی : این جامعش خیلی کتاب بله

یکی از حضار : اخبرنا ابو الحسین علی بن احمد بن

آیت الله مددی : اسم ایشان را خیلی وقت ها دقت کنید من نفهمیدم نجاشی ، مثلا شیخ همیشه می گوید ابن ابی جید یک وقت یک اصطلاح بعضی ها می گویند اخبرنا ابوالحسن ، اخبرنا مثلا احمد بن این را گاه گاهی کامل می آورد گاهی ناقص می آورد چیز عجیبی است نجاشی نمی دانم حالا نکته ای دارد این کارش این ابن ابی جید است دیگر این معلوم می شود

یکی از حضار : عبارت تصحیح الاعتقاد را هم آوردم که بخوانم ، می گوید و قد سمعنا حکایة ظاهرا عن ابی جعفر

یکی از حضار : صفحه اش را هم بگویند ، دارید صفحه اش را ؟

یکی از حضار : موسوعه صفحه ۱۳۵

آیت الله مددی : اول عبارت صدوق را بیاورید ، تقریبا یک فصل قبل از آخر کتاب است اعتقادات صدوق فی الغلو والتفویض عنوانش تفویض است عرض کردم این تفویض آن تفویض جبر و تفویض نیست ، جبر و تفویض یعنی خداوند انسان را مجبور کرده یا به اراده ای انسان واگذار کرده حتی بعضی گفتند که اگر خدا هم نبود دنیا اداره می شد خدا دنیا را روی یک نظامی قرار داده بشر را هم خلق کرده دنیا

طبق نظام خودش جلو می رود خدا باشد نباشد دنیا طبق نظام خودش ، تفویض را به حساب یک معنایش این است این تفویض یعنی خدا دنیا را خلق کرد و همه ی امور را به ائمه تفویض کرد ، خالق و رازق و اینها محی و ممیت و همه ی جهات ائمه هستند این مراد است و لذا دارد باب فی التفویض والغلو این عفو است و لذا در اذان دارد اعلم ان المفوضه خذلهم والله ولعنهم الله زادوا اینجا هم تعبیر به مفوضه کرده که مرادش غلو است نه مرادش آن تفویض باشد ، مفوضه و تفویض نزد ما مراد این است غلات است طایفه ای از غلات است بفرمایید.

یکی از حضار: من الان عبارت نقل ایشان را بخوانم ؟

آیت الله مددی : همان بالایش چند سطر بعد

یکی از حضار: و اما نص ابی جعفر رحمه الله بالغلو علی من نصب مشایخ القمیین و علمائهم الی التقصیر فلیس نسبتها هولاء القوم الی التقصیر علامة علی غلو الناس

آیت الله مددی : می گوید اگر کسی گفت علمای قم دارد قبلش نگاه کنید سه چهار سطر قبلش ، و من جمله علامات اهل الغلو اینکه نسبت به علمای قم به تقصیر می گوید این چه حرفی است که می زنید خوب راست است خوب حرف بیهوده ای است انصافا این که کسی بگوید علمای قم مقصرند این جزو غلات است خوب حالا اشتباه کرده جزو غلات که نمی شود دیگر ، البته اینها بغدادی ها را غالی می دانستند چون آل بویه بغداد بودند و حکومت دستشان بود احتمال دارد مرادشان از غلو ، غلو سیاسی اصلا باشد نه آن غلو اعتقادی ، عبارت خود صدوق را اول بیاورید .

یکی از حضار: باید بروم آنجا

آیت الله مددی : خیلی خوب نروید حالا ،

یکی از حضار: در این جا عبارت را نقل کرده در کتاب فقط گفته

آیت الله مددی : چرا در این کتاب من هست ، قال الصدوق البته در کتاب اعتقادات من دیدم شاید در تجدید الاعتقاد عبارت صدوق را ندارد قال ابو جعفر

یکی از حضار: عرض کردم فقط نقل قول است .

آیت الله مددی : بله و اما ،

یکی از حضار: حالا اجازه بدهید عبارت را بیاورم حالا که فرمودید ،

آیت الله مددی: یک فصل قبل از اخیر یا دو تا قبل از آخر کتاب،

یکی از حضار: بیشتر است جسارتا یعنی صفحه‌ی ۹۷ است بعد از آن هفت تا باب دیگر داریم و بعد از کتاب تمام می‌شود.

آیت الله مددی: من خیال می‌کردم دو باب مثلاً بعدش.

یکی از حضار: به شماره‌ی کتاب باب ۳۷ است و خود کتاب ۴۵ باب است، باب نفی الغلو والتفویض

آیت الله مددی: این تفویض یعنی همان غلو. اعتقادنا بعد می‌گوید اعتقادنا

یکی از حضار: بله می‌گوید که خیلی بحث‌ها را مفصل در تفویض و اینها آورده است بعد می‌گوید و قد فوض الله تعالى الى نبيه صلى

الله عليه وآله وسلم امر دينه وما آتاكم الرسول ... قد فوض ذلك الى الائمه عليهم السلام وعلامة المفوضة والغلاة واصنافهم نسبتهم

مشايخ قم و علمائهم الى القول بالتقصير

آیت الله مددی: خیلی این عبارتش کرده است علماء قم، مرحوم شیخ مفید می‌گوید این چه حرفی است هر کسی حرف باطلی گفت باطل

است دیگر حالا قم باشد یا بغداد باشد دیگر این چه حرفی است که می‌گویند اگر کسی گفت علمای قم مقصرند شما بیااید بگوید غالی

هستید جزو غلاتید مثلاً

یکی از حضار: ایشان می‌گویند و ليس نسبة هؤلاء القوم الى التقصير علامة على الغلو الناس اذ في جملة المشار اليهم بالشيخوخة والعلم

من كان مقصرا

آیت الله مددی: می‌گویند شیوخ هم هستند بزرگند نه اینکه طلبه‌ی عادی باشند.

یکی از حضار: و انما يجب الحكم بالغلو على من نسب المحققين الى التقصير سواء كان من اهل قم ام غيرها من البلاد

آیت الله مددی: شما به ما نسبت دادید تقصیر شما وضعتان خراب است ما نه، کسی که بر حق است که نباید گفت این غلو

یکی از حضار: ما در نسبت غلو دچار غلو شدیم.

آیت الله مددی: بفرمایید.

یکی از حضار: بعد ایشان می‌فرماید وقد سمعنا حكاية ظاهرة عن ابي جعفر محمد بن الحسن بن الوليد رحمه الله لم نجد لها دافعا في

التقصير

آیت الله مددی: لم نجد اصلا نمی‌شود ردش کرد یعنی قابل توجیه نیست مطلب عجیبی است گفتار عجیبی است مقاله یعنی گفتار، گفتار

عجیبی است گفتار ایشان

یکی از حضار: وهی ما حکى عنه انه قال اول درجة فى الغلو نفى السهو عن النبى صلى الله عليه وآله وسلم والامام عليه السلام ، بعد ایشان تردید می کنند می گویند فان صحة هذه الحكاية عنه فهو مقصر مع انه من علماء قميين ومشیختهم

آیت الله مددی: راست هم هست واقعا مرد بزرگواری است نمی شود انکار کرد. خیلی عجیب است خوب حالا یک عقیده ای پیدا کرده آدم خیلی هم نمی تواند به او حمله بکنیم اما واقعا حرف، اصلا آن قصه ی سهو النبى را خود اهل سنت خیلی هایشان منکر هستند و قبول ندارند یک شرحی دارد حالا اگر یک وقتی وقت شد تصادفا این را آقای شیخ محمد تقی قبول می کند حدیث سهو النبى را قبول کرده و یک رساله نوشته من خواندم چون دو سه تا روایت صحیح ما داریم روایت صحیح نزد ما هست غیر از روایات، روایات آنها خودشان هم مناقشه دارند اهل سنت مناقشه ی مفصلی دارد که حالا نمی خواهیم وارد بشویم یک مقدار زیادی اش در ذهنم هست مقدارش را هم باید مراجعه کنم اما نمی خواهم وارد بشوم بفرماید آقا.

یکی از حضار: بقیه اش را هم بخوانم؟

آیت الله مددی: بخوانید بله.

یکی از حضار: وقد وجدنا جماعة وردوا الينا من قم يقصرون تقصيرا ظاهرا فى الدين وينزلون الائمة عليهم السلام عن مراتبهم ويزعمون انهم كانوا لا يعرفون كثيرا من الاحكام الدينية حتى يمكث فى قلوبهم

یکی از حضار: تا الهام بشود ها؟

آیت الله مددی: مگر الهام بشود من نمی دانم خودشان بلدند

یکی از حضار: وراينا من يقول انهم كانوا يلتجئون فى حكم الشريعة الى الراى والظنون ويدعون مع ذلك انهم من العلماء وهذا هو التقصير الذى لا شبهة فيه

آیت الله مددی: خوب راست می گوید دیگر حق با شیخ مفید است انصافا این حرف بدی است من گفتم اینها مقصرند تو بگو تو غالی هستی تو آن طرف افتادی خوب اینها مقصرند دیگر واقعا هم عجیب است البته من احتمال می دادم که ایشان یک کمی مبالغه کرده بعد مصدرش را پیدا کردم که شما هم چاپ کردید یک مقاله ای هشت تا روایت در نوادر الحکمة هست که این هشت تا یکی اش حالا خیلی صریح نیست اصلا در بقیه اش عمل به قیاس است در باب تعارض اخبار اصحاب ما همه را حذف کردند آن وقت یک نفر از علمای زیدیه هست که کتاب فی الامامة نوشته ایشان برداشته از یک مصدر شیعه نقل می کند نوادر الحکمة باب تعارض هشت تا روایت می آورد بعد یکی از حضار: آن هایی که آنها اسقاط کردند آن همه را آورده است.

آیت الله مددی: آن همه را آورده است این مقاله ای هم در همین کتاب شناسی شما نمی دانم چندمین ،

یکی از حضار: حسین پوری به نظرم

آیت الله مددی: حسین پوری برداشته آن جا نوشته البته مثل اینکه اصلش هم از آن انصاری گرفته بود حسن انصاری شنیدم پیدا کرده اول، علی ای این کتاب در سال چهارصد و خورده ای نوشته شده در یمن نسخه هم خطی است ایشان برداشته آورده است آن وقت برای ما روشن شد که واقعا شاید عده ای از علمای قم این روایت را قبول داشتند ، این روایت اصلا دلالت بر قیاس می کند رسما قیاس است خوب اما علمای شیعه همه اش را حذف کردند هر هشت تا را حذف کردند .

یکی از حضار: زدند به دیواری که

آیت الله مددی: دقت می کنید ؟ انصافا این من اول خیال می کردم شیخ مفید مثلا یک جوری مبالغه آمیز است بعد دیدم نه احتمال دارد که آنها همین روایت را دیدند کتاب نوادر الحکمة هم نزد آنها معروف بوده در قم خیلی معروف بوده قائل بودند به این مطلب حق با شیخ مفید است یعنی واقعا اگر کسی قائل بود به اینکه ائمه قیاس را به کار می برند هست روایت نقل کردند از خود ائمه نقل کردند که قیاس ، بفرمایید آقا . قبل از اینکه بنده پنچر بشوم ، خوب این برای ابن الولید بخوانید بعد ایشان می گوید حدثنا ابوالحسن بگوید ، ابوالحسن ابن ابی جید

یکی از حضار: بله ، خبرنا ابوالحسن قال حدثنا محمد بن الحسن ورايت اجازه له بجميع كتبه و احاديثه

آیت الله مددی: ببینید تعبیر به اجازه

یکی از حضار: بجميع كتبه و احاديثه

آیت الله مددی: باید احادیث نباشد روایات باشد ،

یکی از حضار: احتمال نسخه بدل هست این ، چون روایات خیلی رایج است .

آیت الله مددی: آها رایجش این است کتب تالیفات خودش ، روایات تالیفات آخرین ، کتب دیگری که نقل کرده آنهاست . بعد ترجمه ای اسماعیل بن جابر جعفی را بیاورید در کتاب نجاشی همین دو مورد فقط ذکر شده است به عنوان اجازه و فهرست اسم ابن الولید و ابن ابی جید زیاد است خبرنا ابو الحسن فلان ابن الولید این زیاد است اما اینکه اسم این چه بوده آن نوشتار چه بود در ترجمه ای خودش اجازه له تعبیر به اجازه کرده است حالا بجميع احادیثه اگر باشد این مثل رجالی است جنبه ی فهرستی ندارد اما اگر روایاته باشد جنبه ی فهرستی دارد حالا که ایشان احادیثه نوشته فکر نمی کنم احادیثه درست باشد باید روایاته باشد .

یکی از حضار: مدخل ۷۱ اسماعیل بن جابر جعفی روی عن ابی جعفر ابی عبد الله الی ان یقول له کتاب ذکره محمد بن الحسن بن الولید فی فهرسته

آیت الله مددی: دارد در فهرستش مثلاً، حالا ایشان در ترجمه اش فهرست ننوشته است اجازه نوشته است دقت کردید از این عبارت معلوم می شود و درست هم هست فهرست به معنای عام شامل اجازه هم می شود دیگر حالا می خواهد مخاطب خاص باشد یا نباشد، فی فهرسته یعنی فی طرقة الی الکتب طرقة الی الکتب که اجازه داده به ابن ابی جید در آنجا دارد من نمی دانم شیخ طوسی در ابن الولید چه گفته آن الان عبارت شیخ طوسی در ذهنم نیست حالا بیاورید من به علم خودم هم اضافه بشود اینها که معلومات سابق من بود فهرست شیخ را بیاورید. اما انصافاً بینی و بین الله ابن الولید مرد ملایی است خیلی ملا است انصافاً خیلی دقیق و خیلی هم تند است یعنی می اندازد کله پا می کند با این غلات و ... عرض کردم اصولاً ببینید از قرن سوم به بعد یعنی بلکه بشود گفت از سال های ۱۸۰ - ۱۷۰ دیگر غلات سیاسی در مرکز دنیای اسلام نمی توانستند بمانند، مراد ما از غلات سیاسی اینهایی که حرکت مسلحانه داشتند حتی خوارج زیدی ها مثلاً در کوفه قیام کردند شکست خوردند در مدینه قیام کردند شکست خوردند در مکه قیام کردند شکست خوردند در آن بئر الجماجم قیام کردند شکست خوردند در بصره قیام کردند، خوب دولت مقتدر بود دیگر اینها را جمع و جور می کرد.

لذا دقت کنید اصولاً از مثلاً سال های ۱۵۰ - ۱۶۰ هم خوارج هم زیدیه هم شیعیانی که این تفکرات را داشتند اینها همه رفتند یا شهرهای خیلی دور یا مناطق کوهستانی تا از، مثلاً خوارج سجستان، زیدی های یمن یعنی تقریباً در حاشیه ی کشورهای اسلامی بودند، دیگر نیروی داخلی هم آنجا ضعیف بود، قم هم اگر دارد روی این جهت است یعنی به خاطر دور بودن و کوهستانی بودن.

یکی از حضار: آوردم مدخل ۷۰۹ است فهرست شیخ طوسی چاپ همان جامعه ی مدرسین محمد بن الحسن بن ولید قم عارف بالرجال موثق به له کتب جماعة منها کتاب الجامع و کتاب التفسیر و غیر ذلک خبرنا بروایاته و کتبه

آیت الله مددی: این درست است خبرنا بروایاته این فهرست شیخ است آنجا گفت بکته و احادیثه دیگر ما چون آقا ایشان گفت ایام متن حدیث بودید؟ نمی دانم، آقایان همه می دانند من خیلی روی متن حساس هستم یک حساسیت عجیبی کلمه کلمه را حساب می کنم به نظر من این بهتر است خبرنی بروایاته و کتبه این درست است، نه خبرنی بکته و احادیثه آن درست نیست این درست است. حالا من نخواندم گفتم اصلاً یادم هم نیست شیخ چه گفته است طبق قاعده گفتم این اوفق است به عبارت این باید باشد.

یکی از حضار: ...

آیت الله مددی: این که شماست به کدام ندارد؟



یکی از حضار: کدام چاپ است؟

آیت الله مددی: اسپرینگر است؟

یکی از حضار: محقق طباطبائی

یکی از حضار: چاپ آقا عزیز

آیت الله مددی: نه باید باشد اگر ندارد باز آن هم یک غلط است این یکی اش یکی غلط است آن یکی یکی اش غلط است در کتب هم باید باشد هر دویش باید باشد، اخبارنا بکته و روایاته بعد هم شیخ طوسی از ابن ولید نقل می کند مستقیم از او نقل می کند روایت از او نقل می کند باید همان ابن الولید باشد، بله آقا بفرمایید اخبارنا بروایاته و کتبه بفرمایید.

یکی از حضار: چون نسخه بدل هم ندارد چاپ آقا عزیز.

آیت الله مددی: چاپ اسفرینگر ندارد؟

یکی از حضار: من ندارم.

آیت الله مددی: چون من دارم چاپ اسفرینگر را من دارم. آن هم غلط دارد به هر حال این لیدن چاپ کرده اما انصافا وقتی که هنوز این کتاب نزد ما چاپ نشده بود آنها زحمت کشیدند خیلی هنر کردند انصافا این آقای رامیار هم که خدا رحمتش کند مشهود فوت کرد آن هم یک فهرست خیلی قشنگی برایش نوشت، بله بفرمایید آقا اخبارنا.

یکی از حضار: عرض شود که از سه تا طریق می گوید اخبارنا بروایات و کتب ابن ابی جید عنه و اخبارنا جماعة عن احمد بن محمد بن الحسن عن ابیه

آیت الله مددی: صبر کنید، این احمد بن محمد پسر ابن الولید اسمش احمد، خود ابن الولید اسمش محمد است، جماعة یکی اش هم شیخ مفید است چون شیخ مفید الان شیخ جای دیگر هم دارد شیخ مفید پسر ابن الولید ظاهرا بغداد آمده خود ابن الولید دلیل نداریم بغداد آمده پسر ابن الولید آثار پدرش را نقل کرده است یکی اش را که ما الان می بینیم شیخ مفید است ایشان می گوید جماعة معلوم می شود ابن الغضائری و ابن عبدون هم درکش کردند چند تا از مشایخ بغداد، و الا آن که الان در کتب شیخ طوسی داریم شیخ مفید عن احمد بن محمد عن ابیه این احمد بن محمد مراد پسر ابن الولید است صدوق هم دارد می گوید احمد بن محمد عن ابیه آن مراد پسر محمد بن یحیی عطار است هر دو احمد بن محمد هستند خیلی لطیف است هر دو هم عن ابیه دارند این یکی برای شیخ مفید است پسر ابن الولید است آن برای شیخ صدوق است پسر محمد بن یحیی العطار است.

یکی از حضار: مستقیماً از پسر نقل می‌کند؟

آیت الله مددی: چه کسی؟

یکی از حضار: شیخ مفید؟

آیت الله مددی: بله بغداد آمده ایشان، داریم ما در تهذیب هم داریم عن احمد بن محمد

یکی از حضار: شیخ طوسی هم همینطور

آیت الله مددی: شیخ طوسی از شیخ مفید نقل می‌کند، دقت کردید؟ اما من ابن غضائری یادم نمی‌آید از احمد بن محمد ابن غضائری و ابن عبدون را یادم نمی‌آید از اینکه ایشان می‌گویند جماعه معلوم می‌شود آن‌ها هم نقل کردند روشن شد؟ یعنی وقتی ایشان بغداد آمده مشایخ بغداد آثار پدرش را از ایشان گرفتند و عرض کردیم این تصادفاً هر دو پسر آقا زاده هر دو هم توثیق نشدند دقت می‌کنید؟ اصلاً این رجال ما یک مقدار به هم پاشیدگی‌اش هم روشن بشود برای شما برای اولین بار البته خود علامه اگر این شخص در سند بود تصحیح کرده گفته صحیح، حالا علامه از چه راهی نمی‌دانیم علامه اگر سندی درش احمد بن محمد عن ابیه بوده گفته صحیح لکن برای اولین بار مثلاً این مطلب در رجال این آقا در قرن پنجم در قرن چهارم آمده بغداد سیصد و خورده‌ای آمده بغداد دقت می‌فرمایید ما توثیق حالا علامه قرن هشتم است من باب مثال می‌خواهم بگویم در قرن دهم شهید ثانی می‌گوید اینها اصلاً توثیق نمی‌خواهند اینها بزرگان هستند مشایخ هستند از اینجا وارد شیعه شد توثیق شد روشن شد؟ به استثنای علامه که نکته‌اش را نگفته که چرا توثیق کرده، مرحوم صدوق این توثیق را مرحوم شیخ شهید ثانی آورد در اولین بار که امثال این دو تا پسر این دو تا آقا زاده‌ی بزرگوار توثیق نمی‌خواهند هر دو از مشایخند بفرمایید آقا.

یکی از حضار: چاپ اسفرینگر هم همینطور است.

آیت الله مددی: کتب ندارد؟

یکی از حضار: دارد، اخبارنا بروایانه و کتبه ابن ابی جید، مدخل آن جاششصد و چون ترتیب را عوض کرد دیگر ایشان الفبایی‌اش کرد ۶۱۸ شد.

آیت الله مددی: ایشان برداشته الفبایی‌اش کرده حروف الفبایی، خود کتاب روی حروف الفبایی دقیق نیست ایشان روی حروف الفبایی دقیق آورده است. درستش باید همین باشد کتبه باید باشد آن نسخه‌ی آقا عزیز احتمالاً سقط است ان شاء الله سقط از چاپخانه است برای احترام به آقا عزیز می‌گوییم از چاپخانه سقط شده است.

یکی از حضار: جماعه عن احمد و یکی هم جماعه عن محمد بن علی بن الحسین

آیت الله مددی: نه، چرا آن هم دارد، جماعة عن محمد بن علی بن الحسین صدوق پسر، صدوق یعنی، صدوق معروف چون ایشان هم بغداد آمده است ۳۵۲-۳ دو بار بغداد آمده است آن وقت شیخ مفید از ایشان از ابن الولید نقل می کند روشن شد؟ فرقی چیست؟ شیخ طوسی از مفید از پسر ابن الولید از ابن الولید، از مفید از صدوق دو تا واسطه دارد اما وقتی از ابن ابی جید نقل می کند یک واسطه ابن ابی جید ابن الولید. روشن شد؟

ابن ابی جید توثیق ندارد آن سند سوم شیخ طوسی دیگر هیچ مشکلی ندارد چون شیخ طوسی شیخ مفید شیخ صدوق این دیگر هیچ مشکلی ندارد دیگر توثیقات عامه هم نمی خواهد ابن ابی جید هم توثیق خاص ندارد و این سرش را عرض کردیم ابن ولید ۳۴۳ وفاتش است دقت فرمودید؟ شیخ طوسی که به بغداد آمده ۴۰۸ است یعنی ۶۵ سال بعد از وفات ابن الولید پس ابن ابی جید جوان بوده اجازه گرفته است روشن شد چه می خواهم؟

یعنی مرحوم شیخ طوسی ۶۵ سال است با یک واسطه نقل می کند چون وقتی ابن ابی جید بغداد آمده شیخ بوده در بغداد حالا یا ۴۰۸ است یا ۹ است یا ۱۰ است به هر حال بعد از ۴۰۸ است نجاشی هم که بغداد بوده است فرق بین این سه تا طریق روشن شد؟ طریق اولی که ابن ابی جید است قرب اسناد دارد لکن مبتنی است بر وثاقت ابن ابی جید، طریق دومی قرب اسناد ندارد عادی است مبتنی است بر وثاقت احمد پسر ابن الولید، طریق سوم قطعا معتبر است چون شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق این دیگر هیچ دیگر جای بحث ندارد، روشن شد؟

و واقعا اگر اصحاب ما این کار را بیشتر انجام می دادند خیلی دقت بیشتر می شد، خیلی بیشتر می شد. انصافا خیلی زحمت کشیدند غصه می خوریم ما اینقدر تبیل شدیم و اینها اینقدر زحمت کشیدند باید این زحمت ها به حساب روشن بشود بفرمایند آقا. یکی از حضار: تمام شد دیگر.

آیت الله مددی: ابن ابی جید را توضیح نداد نه؟

یکی از حضار: نه چیزی نگفت ایشان.

آیت الله مددی: نگفت به اجازه ی فهرست؟

یکی از حضار: خیر

آیت الله مددی: البته اخبارنا بجمیع کتبه و روایاته این اجازه است ها، نجاشی گفت اجازه حق با اوست اما بعد گفت فهرست این کتاب هم از آن تعبیر به اجازه شده هم تعبیر به فهرست شده

یکی از حضار: در رجالشان دارند خبرنا عنه ابن ابی جید بجمیع روایاته در رجال طوسی

آیت الله مددی: آن دو تا طریق دیگر را نیاورده فقط ابن ابی جید را آورده است. این بجمیع روایاته مثل فهرست است اگر می گفت کتب خودش تالیفاتش بود اما روایات فهرست است.

خوب آقا این هم یک مطلب، این مطلب به نظرم خیلی قابل توجه است که ما در شیعه فرد را در سه محور و این برای ما خیلی آقایان می دانند من در تطبیقات خارجی خیلی آثار برایش بار می شد یکی در محور روایات گاهی شخص در محور روایات بود در محور رجال یا فهارس اصلاً نبود و عرض کردیم تا آنجایی که من دیدم شاید قبل از ایشان هم کسانی بودند چون من ندیدم نمی دانم شاید مرحوم سید ابوتراب خوانساری بوده، مرحوم آقای شیخ محمد تقی تستری این را دارد مثلاً یک نفری اسمش در روایات هست حتی در کافی مثلاً شیخ متعرض اسمش نبرده در رجال می گوید وعدم ذکر الشيخ له فی الرجال غفلة این طوری می گوید وعدم ذکر الشيخ له فی الرجال والفهرست مثلاً یک نفری هست اسمش را مرحوم نجاشی در فهرست برده شیخ نبرده دقت می کنید؟ در روایات هم ممکن است باشد، بعد می گوید وعدم ذکر الشيخ له فی الرجال والفهرست غفلة این را من ندیدم کسی قبل از ایشان عرض کردم چون نوشتارها و صحبت هایی مرحوم آقای سید ابوتراب خوانساری به ما نرسیده می گویند ایشان گفته من دو سال یا چند سال نزد سید ابوتراب خوانساری درس خواندم.

سید ابوتراب در رجال خیلی کار کرده یعنی واقعا پخته ی این کار است خیلی فوق العاده است در این قسمت مرحوم آقای سید ابوتراب خوانساری آیا ایشان گفته؟ به هر حال فعلاً در کتاب قاموس این مطلب آمده که جای دیگر من این را ندیدم عرض کردم بعضی از نکات در قاموس هست که ما اولین بار در اینجا نزد ایشان دیدیم این آقایانی که بعد از ایشان مثل آقای خوئی آمدند آنها هم ندارند شاید دیگران نوشته باشند نمی دانم کتاب های بعد از ایشان را ندیدم.

یکی از حضار: اجازه بدهید این عبارت را هم بخوانم؟

آیت الله مددی: عبارت چه کسی را؟

یکی از حضار: برای ابن ولید در رجال شیخ

آیت الله مددی: بخوانید چون شما می خوانید من یک نفس می کشم.

یکی از حضار: مدخل ۶۲۷۳ باب من لم یروی عن واحد عن الائمة، جلیل القدر بصیر بالفقه ثقة یروی عن الصفار و السعد روی عنه تلکبری و ذکر انه لقیه لکن وردت علیه، ذکر انه لقیه شاید اینجا اشتباه تایی داشته باشد، لکن وردت علیه اجازه علی بد صاحب جعفر

آیت الله مددی: نه ما لقیه

یکی از حضار: عرض کردم شاید اینجا اشتباه تایپی شده است.

آیت الله مددی: اشتباه نوشته چون این تلعبری برای بغداد است ابن الولید بغداد نیامده پسرش آمده است. می گوید نیامده دقت کردید می گوید من ایشان را ندیدم ما لقی گفت شنونده باید عاقل باشد.

یکی از حضار: لم یلقه بوده است

آیت الله مددی: ها یا لم یلقه بوده است دقت کردید؟ چون الان توضیحات کافی روشن شد، اجازاتی که ما شرح می دهیم کامل است چون این کار را من الان شروع کردم برای اینکه بعد که در نجاشی می رویم خیلی راحت برویم جلو دیگر خیلی معطلتان نکنیم، می گوید ایشان چون در بغداد بوده و ابن الولید بغداد نیامده ایشان هم قم نرفته است.

یکی از حضار: یلقه چاپ شده احتمالا لم یلقه بوده است.

آیت الله مددی: دقت کردید؟ لم یلقه لکن اجازه اش را از قم برایش فرستاده است از او تقاضا کرده اجازه را برای ایشان فرستاده به بغداد. یکی از حضار: بجمیع روایاته بله علی ید صاحبه جعفر بن الحسین بجمیع روایاته، خبرنا عنه ابوالحسین ابن ابی جید بجمیع روایاته. آیت الله مددی: دقت کردید؟ یک اجازه هم داشته ایشان برای تلعبری.

مرحوم شیخ قدس الله نفسه تلعبری را ندیده حالا ممکن است به نظرم متوفای ۱۱۸۵ است اصلا زمان تولد شیخ است تلعبری، تلعبری هم جزو هارون موسی جزو عجایب است روی جمیع اصول اصحابنا و مصنفاته چیز عجیبی است این تلعبری یکی از عجایب است اصلا در نوع خودش. مرحوم نجاشی با پسرش رفیق بوده است، محمد بن هارون ابوالحسین محمد بن هارون می گوید با این نزد پدرش می رفتیم. دقت می کنید؟ با این ابن ابوالحسین جعفر بن الحسین این که اسمش را برد یک دفعه دیگر اسمش را ببرید، جعفر بن الحسین این از مشایخ ابن جعفر بن الحسین المؤمن از علمای قم بوده او آخر قرن چهارم ظاهر می آید بغداد، ابن جعفر بن الحسین و مرد ثقة شخصیتی هم هست مرحوم نجاشی دارد و کتابی هم به نام نوادر داشته است، برای اولین بار فکر می کنم حالا به ذهن من رسید چون یک چیزی راجع به اقتصاد خدا رحمت کند مرحوم آقای سید رضا خراسان نوشته در آن اختصاص چاپ نجف که متأسفانه در اختصاص چاپ قم نیامده اصلا مقدمه ی ایشان نیامده است خوب مقدمه ای نوشته که این اختصاص برای کیست؟

من شاید نمی دانم چون من آن را خواندم اما کامل نخواندم در ذهنم هم نیست الان من احتمال دادم اختصاص شیخ مفید همین نوادر جعفر بن الحسین است ، از کتاب های گمشده ای که آقایان می گویند این برای شیخ مفید است این کتاب برای شیخ مفید نیست شیخ مفید از جعفر بن الحسین ، اسمش هم در اول کتاب چند بار آمده جعفر بن الحسین ، جعفر بن الحسین ،

یکی از حضار : همین جعفر بن الحسین دنباله اش چیست ؟

آیت الله مددی : المؤمن القمی ، ایشان قمی بوده بخوانید این ، مرد ملایی هم هست و کتابش هم که و انصافا این نوادر ، نوادر خیلی من الان چون خیلی چند بار این را از اول اختصاص را چند بار از اول تا آخر نگاه کردیم که یک کارش بکنیم ببینیم برای کیست به جایی عقل ما نرسید فعلا یقه ی همین آقای قمی را گرفتیم جعفر بن الحسین المؤمن القمی احتمالا شیخ مفید راوی این کتاب است دقت فرمودید ؟ و لذا اول اختصاص هم چند بار اسمش هست جعفر بن الحسین ، حالا نجاشی بهتر شرح داده بخوانید عبارت نجاشی را آن وقت معلوم می شود که جعفر بن الحسین که از قم آمده اجازه ی ابن الولید هم برای تلعبیری بغداد آورده است ، هارون بن موسی تلعبیری . این تلعبیری را هم عرض کردم یکی از بزرگان اصحاب ماست یکی از اجلای اصحاب است .

یکی از حضار : در رجال شیخ بحث فهرستی کرد عبارتش را که خواند بحث فهرستی کرد .

آیت الله مددی : بله خلاف قاعده گاهی دارد در رجال بحث فهرستی می کند این بیشتر در این من لم یروی که اینها فقط ، چون در بحث من لم یروی بیشتر می گوید روی عن ابی عبد الله یا روی عنه فلان اینجا باب من لم یروی است مثل ترجمه مانند است کسانی که عهد ائمه را درک نکردند اینهایی که درک نکردند بیشتر مولف هستند اینهایی که عهد ائمه را درک نکردند اینها بیشتر شخصیت های ، یعنی بیشتر به تراجم می خورد تا به رجال ، رجال آنهایی می خورد که اصحاب ائمه هستند روشن شد ؟ ابن الولید به رجال نمی خورد به این معنا که در ، اما چون روایت نقل کرده ما در رجال می آوریم به تراجم بیشتر شبیه است این که ایشان آورده به تراجم بیشتر شبیه است نکته ی لطیفی است که اجازه اش آمده اما این اجازاتی که ما در بغداد داریم اینها توسط شیخ مفید و ابن غضائری و اینهاست و از طریق پسر است یا از طریق ابن ابی جید است .

جعفر بن الحسین المؤمن را هم بیاورید دیگر حالا که آوردید خیلی خارج شدیم .

یکی از حضار : مرحوم نجاشی آورده است در مدخل ۳۱۸ نه معذرت می خواهم شماره ی ۳۱۷ جعفر بن الحسین علی بن شهریار ابو محمد

المؤمن القمی

آیت الله مددی : جعفر بن الحسین المؤمن

یکی از حضار: شیخ اصحابنا القمیین ثقة

آیت الله مددی: خیلی عجیب است ها شیخ اصحابنا القمیین معلومات ما راجع به ایشان کم است اگر این مطلبی که من گفتم این کتاب زنده شد برای همین ایشان است کتاب الاختصاص، اختصاصی که الان معروف است، آقای خوئی هم می گوید لم یثبت نسبت الكتاب الى الشيخ المفید راوی کتاب است شیخ مفید، جعفر بن الحسین معلوم می شود اساسا هم ایرانی الاصل است شهریار اسم های ایرانی است دیگر جدش شهریار معلوم می شود که ایرانی الاصل است.

یکی از حضار: انتقل الى الكوفة واقام بها و صنف كتابا في المزار وفضل الكوفة ومساجدها وله كتاب نوادر

آیت الله مددی: و له كتاب نوادر، این اختصاص خیلی به نوادر می خورد. اسمش هم اولش هست جعفر بن الحسین، جعفر بن الحسین احتمالی که ما دادیم مرحوم شیخ مفید این کتاب نوادر جعفر بن الحسین را از ایشان گرفته است.

یکی از حضار: با تعریف نوادر جور درمی آید مطالبش؟

آیت الله مددی: بله دیگر متفرقات است، مثل روضه است بله و خیلی الان مطالبی هست که حتی از نظر رجالی و اینها لطیف است در همین اختصاص است الان فقط اینجا آمده است. شیخ اصحابنا خیلی تعریف عجیبی است شیخ اصحابنا القمیین، مرد بزرگواری بوده است. بله بغداد که تلعبیری کوفه رفته اجازه ی ابن الولید را ایشان آورده است. روشن شد؟ اما عجیب است شیخ طوسی از این اجازه نقل نمی کند نجاشی هم نقل نمی کند. اجازه ی مرحوم ابن الولید به تلعبیری در بغداد توسط ایشان ملاقاتی بینشان نشده است. کم کم ما هم داریم پنجر می شویم خیلی خوب

یکی از حضار: پس باید کتب اختصاص را با این دید.

آیت الله مددی: آها بله، باید با این دید نگاه کرد و این خیلی نکته ی لطیفی است دیگر حالا ما چون بناست هم در ضمن بحث ها و خیلی نکاتی که هنوز مطرح نشده است احتمال قوی هنوز می دهم برای ایشان باشد یا یک مقدارش یا همه اش کتاب ایشان باشد اگر باشد انصافا مطالب قشنگی دارد. تعریف نجاشی هم از ایشان خیلی بالاست.

خوب آقا این تا اینجا این مطلب، ریشه های این نوشتن فهرست ان شاء الله عرض می کنیم سابقا هم یک اشاره ای کردیم از زمان امیرالمؤمنین شروع شد که بعد ما ان شاء الله می خواهیم شروع بکنیم تا اصحاب امام صادق چطور از اصحاب امام صادق کم کم این ریشه های فهرست شروع شد و بعد آمد در قم به شکل بحث درآمد یعنی یک بحث فهرستی درآمد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین